بازخوانی یک روایت ناگفته درباره تأسیس نخستین داروخانه نوین مشهد

«ضیاءالاطبا» و حکایت دواخانه کنار حمام «مهدیقلی بیگ»

ضیاءالاطبا در اواخر عمر

ضیاءالاطبا (فرد نشسته در وسط) و فرزندان - اوایل دهه ۱۳۰۰ خورشیدی

مرضیه ترابی| با وجود آنکه شهر مشهد، به دلیل وجود دارالشفای آستان قدس رضوی، دست‌کم از نیمه نخست دوره قاجار از نظر پزشکی و درمانی در وضعیت بهتری نسبت به دیگر نقاط ایران قرار داشت، این ظرفیت برای جمعیت عظیم زائران و مجاوران کافی نبود و به‌ویژه، ارائه خدمات رایگان به صورت محدود انجام می‌شد. در همان حال، استفاده از پزشکان حاذق و آموزش‌دیده نیز گران تمام می‌شد و بسیاری از مردم توانایی تأمین هزینه‌های درمان را نداشتند. به همین دلیل، بازار فعالیت مدعیان طبابت، به‌ویژه در میان گروهی که خود را بخشی از صنف سنتی عطار می‌پنداشتند، رونق فراوانی داشت.

طبیبان دروغین تنها با تشخیص اشتباه، جان مردم را تهدید نمی‌کردند؛ بخش مهمی از آن‌ها حتی در تشخیص مواد دارویی نیز فاقد صلاحیت بودند و نمی‌توانستند برخی داروها را از هم تمیز دهند. میرزاصادق خان ادیب‌الممالک فراهانی در شماره ۲۴ روزنامه ادب، سال دوم، شهریور ۱۲۸۱ خورشیدی، این وضعیت ناجور و تکان‌دهنده را چنین شرح می‌دهد: «خبر داریم [که] در ظرف سال، تقریبا دویست نفر از هم‌وطنان بی‌گناه و بی‌تقصیر، هدف تیر نادانی عطارهای محله می‌شوند که به جای جوش شیرین، داراشکنه (نوعی سم مهلک) به حلق آن‌ها ریخته و در عوض برومورد (ترکیب دارویی حاوی عنصر بُرم)، زاج و نشادر می‌دهند.»

این وضعیت بحرانی، البته در فقدان ساختار نظارتی مناسب بر امور بهداشت و درمان نیز ریشه داشت. با وجود سابقه درخشان چنین نظارتی در فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی، که شمه‌ای از آن را می‌توان در کتاب آیین شهرداری، اثر ابن‌اخوه در قرن هفتم هجری قمری، مشاهده کرد، در دوره مورد بحث ما اثری از آن شیوه پسندیده به چشم نمی‌خورد و تقریبا امور نظارت در حوزه بهداشت و درمان بلاصاحب مانده بود.

این مسئله باعث شد بخش مهمی از فعالیت‌های رسانه‌ای در سال‌های پیش از پیروزی نهضت مشروطیت و نیز دوران پس از آن، بر ترویج بهداشت و تبدیل بحث نظارت بر امور درمانی به یک مطالبه عمومی متمرکز شود. این موضوع، به‌ویژه در عرصه داروسازی نیز، مورد توجه قرار گرفت و تلاش‌ها برای مهار بحران تجویزهای عجیب غریب جمعی «عطارنما» از همان دوره آغاز شد؛ ماجرایی که به صورت عملی، با تأسیس دواخانه «ضیاءالاطبا» در سال ۱۲۸۱ خورشیدی، در کنار قراولخانه متصل به «حمام مهدیقلی بیگ»، وارد مرحله‌ای جدید شد.

سابقه دواخانه و تأسیس آن در مشهد

تا پیش از تأسیس دواخانه «ضیاءالاطبا»، مهم‌ترین دواخانه شهر مشهد که تنها گیاهان دارویی را برای استفاده در دارالشفای حضرتی عرضه می‌کرد، «شربتخانه» حرم امام رضا(ع) بود. اسناد مربوط به شربتخانه امروزه به فراوانی در مرکز اسناد آستان قدس رضوی موجود است و به خوبی فرایند تأمین و توزیع داروهای گیاهی را در دارالشفای حضرتی توضیح می‌دهد. با این حال، همان‌طور که اشاره کردیم، فقدان دواخانه‌ای که بتواند نیاز مردم به داروهای جدید فرنگی را هم تأمین کند، به شدت احساس می‌شد. ورود این داروها توسط برخی تجار مرتبط با قفقاز و به صورت غیررسمی صورت می‌گرفت و هیچ ضمانتی برای مرغوبیت و اصالت داروها وجود نداشت. بسیار پیش می‌آمد که این داروها، تقلبی از آب در می‌آمد و خسارات جانی سنگینی به مردم وارد می‌کرد. به همین دلیل، میرزا آقا ضیاءالاطبا در سال ۱۲۸۱ خورشیدی، نخستین دواخانه مدرن و حرفه‌ای را در مشهد تأسیس کرد. این اقدام آن‌قدر برای اهل فضل و معاریف شهر جذاب بود که میرزاصادق خان ادیب‌الممالک تأسیس آن را در روزنامه ادب اعلام و در واقع نوعی «رپرتاژ» برای معرفی دواخانه ضیاءالاطبا منتشر کرد.

«دواخانه عمومی - فیه شفاء للنّاس»

در گزارش روزنامه ادب آمده است: «چون خدمت به نوع [بشر] از لوازم عمده انسانیت و شرایط دائره اجتماع و مدنیت است و بدین لطیفه قدسیّه و دقیقه انسیّه تمیز انسان با سایر حیوانات پدید آید، و هرگاه مراتب خدمت را درنگرند، شریف‌تر و مهم‌ترین خدمات عالم بشریت، حفظ صحت و نفی علت و بقای نوع و ادامه نفوس است؛ بناءً علی هذا جناب فضایل نصاب، حقایق و معارف آداب، آقامیرزا محمدکاظم (ضیاءالاطباء) که طبیبی مجرّب و لبیبی مهذّب است، محض آسایش و خیر و راحت عامه نفوس و سکنه این شهر مقدس، با کمال شرف و مفاخرت، دواخانه معتبری به رسم و ترتیب دواخانه‌های دارالخلافه طهران و سایر بلاد و مراکز سلطنتی عالم ایجاد کرده است و تمام دواهای ایرانی و فرنگی را، با اسباب و ادوات متعلقه به فنّ طبابت و جراحی، برای فروش در آنجا حاضر و مهیّا نموده؛ هر دوایی را، از مایع و جامد، در پاکت و جعبه یا شیشه مخصوص، با مهر و امضای خود می‌فروشد و ضامن صحت و درستی آن خواهد بود. اداره ادب از زبان عموم سکنه [ارض] اقدس، بر این شخص محترم نوع‌پرست تحسین نموده و امتنان دارد... خداوند امثال جناب ضیاءالاطبا را در مملکت ما زیاد کند تا مزروعات خرمن بشریت از این‌گونه آفات ارضی و سماوی محفوظ و مصون مانند. باری، دواخانه مزبور در مشهد، وصل به قراولخانه حمام شاه، و مطب ایشان در صحن جدید است.»

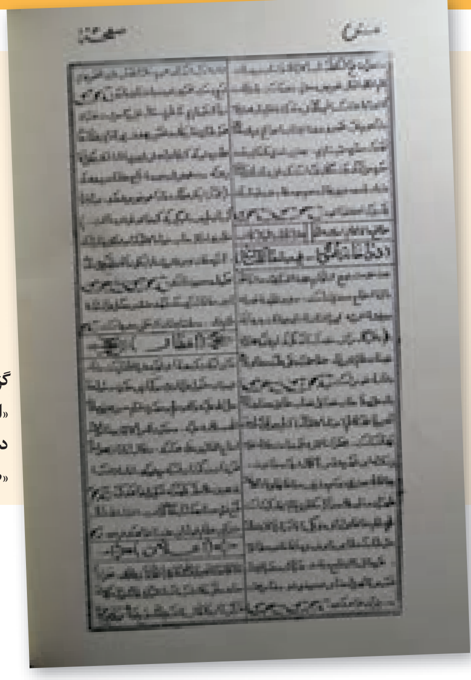
گزارش ویژه «ادب» درباره دواخانه «ضیاءالاطبا»

محدوده دواخانه ضیاءالاطبا بر روی نقشه دالمج (۱۲۸۶ قمری)

نقش دواخانه ضیاءالاطبا در بهبود اوضاع

تأسیس دواخانه «ضیاءالاطبا» در مشهد، مقدمه‌ای برای دو اقدام بسیار مهم بود؛ نخست، تأسیس دواخانه زیر نظر افراد متخصص و آگاه به علم پزشکی و دوم، آغاز تلاشی مؤثر برای تضمین سلامت و اصالت داروها از طریق تأیید و نشان تجاری. در واقع، ضیاءالاطبا با این اقدام، اطمینان و آرامش خاطر را نسبت به فعالیت‌های درمانی به فضای عمومی مشهد منتقل کرد.

هرچند این دواخانه به دلیل بازگشت ضیاءالاطبا به زادگاهش -که در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد- عمر چندانی نداشت، اما توانست نوعی مطالبه عمومی در میان مردم مشهد ایجاد کند؛ مطالبه‌ای که مبنای اقدامات بعدی در حوزه بهداشت و درمان شهر شد و این عرصه را در شهر ۱۲۰۰ ساله ما، یک گام به جلو برد.

ضیاءالاطبا کیست؟

ضیاءالاطبا - نفر نشسته سوم از راست در تربت حیدریه و باغ شخصی اش در اواخر عمر

آقامیرزا محمدکاظم ضیاءالاطبا، در سال ۱۲۴۹ خورشیدی در تربت حیدریه به دنیا آمد. پدرش، حاج میرزا محمود حکیم‌باشی، از اطبای حاذق دوران خود بود و دیگر اجدادش نیز در این فن تبحر فراوانی داشتند.

ضیاءالاطبا مقدمات علوم را نزد پدرش در تربت حیدریه فرا گرفت، سپس برای ادامه تحصیل راهی مشهد شد و در مدرسه علمیه «میرزاجعفر» به کسب دانش پرداخت. او بعدها به دلیل بیماری پدر به زادگاهش بازگشت و پس از درگذشت وی، راهی تهران شد تا طب را در دارالفنون بیاموزد؛ در آن زمان، دارالفنون تنها مرکز آموزش طب نوین در ایران بود.

ضیاءالاطبا زبان فرانسه را در مرکز «آلیانس» فرا گرفت و پس از دانش‌آموختگی از دارالفنون در رشته پزشکی، در سال ۱۲۸۰ خورشیدی به زادگاهش بازگشت. حدودا در همین زمان بود که از سوی میرزاعلی اصغرخان اتابک به «ضیاءالاطبا» ملقب شد. وی چندی بعد به دلایلی که اکنون از آن آگاهی نداریم، به مشهد رفت و ضمن تأسیس دواخانه‌ای که پیش‌تر از آن یاد کردیم، مطبی در یکی از حجره‌های صحن نو (آزادی فعلی) دایر کرد.

مدت حضور ضیاءالاطبا در مشهد به درازا نکشید. او چندی بعد، احتمالا به دنبال پیروزی نهضت مشروطه، به تربت حیدریه بازگشت و در عمارت اجدادی‌اش، موسوم به «نوبهار»، مستقر شد.

ضیاءالاطبا فرزندان خود را نیز به تحصیل طب واداشت که برخی از آنان طبیبان حاذقی شدند. او علاقه فراوانی به توسعه مراکز درمانی مدرن داشت؛ تا جایی که به دعوت شوکت‌الملک در ابتدای دهه ۱۲۹۰ خورشیدی راهی بیرجند شد و در تأسیس نخستین مرکز درمانی مدرن این شهر نقشی جدی ایفا کرد.

ضیاءالاطبا در ادامه عمر، چند دوره از حوزه انتخابیه کاشمر به نمایندگی مجلس شورای ملی رسید و سرانجام در سال ۱۳۳۳ خورشیدی، در ۸۴ سالگی دار فانی را وداع گفت.

تاریخ نگار

مسئله فلسطین و صهیونیسم در آینه اسناد

تصمیم قدرت‌های جهانی برای سرنوشت فلسطین

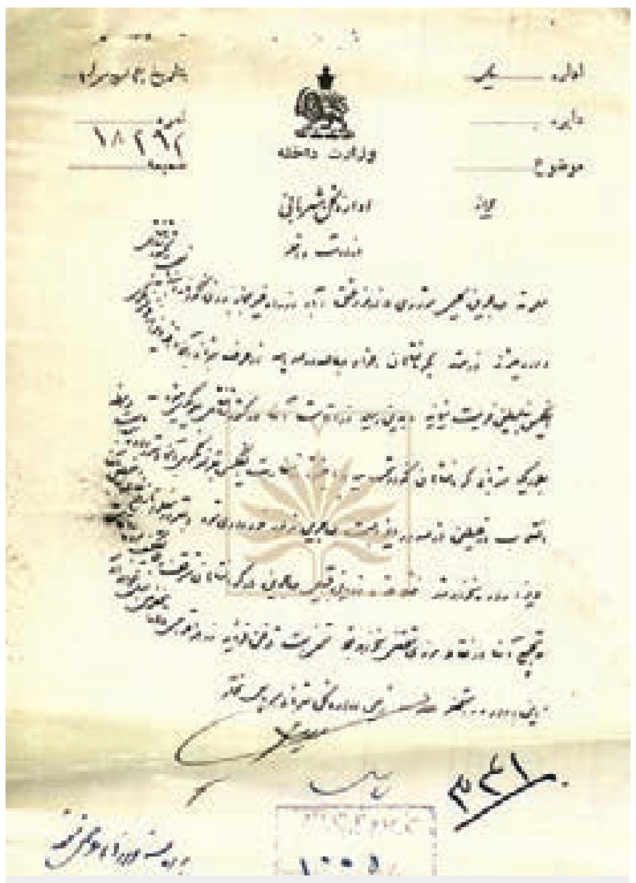
مکاتبه رئیس اداره‌کل شهربانی، سرپاس مختاری، با وزارت داخله درباره اختلال ایجاد شده در روند هدایت یهودیان شوروی بدون تابعیت و گذرنامه با ورود غیرمجاز از مرز عشق‌آباد. انتقال آن‌ها از مشهد به کرمانشاه توسط شهربانی و دستور سفارت انگلیس به کنسولگری خود مبنی بر توقف صدور گذرنامه به دلیل وقوع انقلاب در فلسطین و کسب تکلیف در این زمینه ۳۰ مرداد ۱۳۱۶

گروه تاریخ و هویت| فلسطین سرزمینی عربی است که از غرب به دریای مدیترانه، از شمال به جمهوری لبنان، از شرق به رود اردن و جمهوری سوریه، و از جنوب به شبه‌جزیره سینای مصر محدود می‌شود. این موقعیت جغرافیایی ویژه، در کنار پیشینه کهن تاریخی، فلسطین را به یکی از مهم‌ترین مناطق جهان از نظر فرهنگی، دینی و سیاسی بدل ساخته است.

شهر بیت‌المقدس در قلب این سرزمین، جایگاه شمار فراوانی از اماکن مقدس ادیان الهی است. مسجدالاقصی از مقدس‌ترین مکان‌ها نزد مسلمانان به شمار می‌آید و این سرزمین همچنین زادگاه و محل زندگی برخی از پیامبران الهی بوده است. اهمیت دینی و راهبردی بیت‌المقدس سبب شده است که در طول تاریخ، این شهر و پیرامون آن بارها صحنه جنگ‌ها و منازعات گسترده باشد؛ از جمله جنگ‌های صلیبی و درگیری‌های دوران حکومت عثمانی.

در آغاز قرن بیستم، صهیونیست‌ها با بهره‌گیری از سلطه سیاسی انگلستان بر فلسطین، طرح تشکیل کشوری یهودی را مطرح کردند. این تلاش‌ها سرانجام با جلب حمایت لُرد بالفور، وزیر امور خارجه بریتانیا، به نتیجه رسید و در نوامبر ۱۹۱۷ «اعلامیه بالفور» مبنی بر تأسیس «میهن ملی یهود» در سرزمین فلسطین صادر شد؛ طرحی که مورد حمایت ایالات متحده آمریکا نیز قرار گرفت. در آوریل سال ۱۹۲۰، متفقین و جامعه ملل، قیمومیت فلسطین را به‌طور رسمی به دولت بریتانیا واگذار کردند.

در پی این تحولات و با واگذاری اداره امور فلسطین از سوی انگلستان به مقامات یهودی، مهاجرت گسترده یهودیان به این سرزمین آغاز شد. این روند، واکنش اعراب فلسطینی را در پی داشت و قیام‌ها و درگیری‌های متعددی میان ساکنان بومی و مهاجران شکل گرفت. از دهه ۱۹۴۰ میلادی، مسئله فلسطین از یک موضوع محلی فراتر رفت و به مسئله‌ای عربی و سپس بین‌المللی بدل شد. در جریان جنگ جهانی دوم، آرامشی نسبی بر فلسطین حاکم بود، اما پس از پایان جنگ، اختلاف‌ها بار دیگر اوج گرفت و سرانجام مسئله فلسطین به سازمان ملل متحد ارجاع شد.

در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷، مجمع عمومی سازمان ملل با فشار و تلاش صهیونیست‌ها و ایالات متحده، طرح تقسیم فلسطین را به رأی گذاشت. در این رأی‌گیری، ۳۳ کشور به تقسیم فلسطین رأی موافق دادند، ۱۳ کشور مخالف بودند، ۱۰ کشور رأی ممتنع دادند و یک کشور غایب بود. در پی این تصمیم، بریتانیا در ۱۴ مه ۱۹۴۸ به قیمومیت خود پایان داد و نیروهایش را از فلسطین خارج کرد. در همان روز، «شورای ملی یهود» تشکیل شد و دیوید بن‌گوریون، موجودیت دولت اسرائیل را اعلام کرد.

از زمان اعلام موجودیت رژیم اشغالگر قدس تاکنون، منطقه شاهد جنگ‌ها و درگیری‌های متعدد میان این رژیم و کشورهای عربی بوده است. از جمله سیاست‌های اصلی رژیم اشغالگر، ایجاد و گسترش شهرک‌های یهودی‌نشین در سرزمین‌های اشغالی است؛ شهرک‌هایی که ساکنان آن‌ها را مهاجران یهودی از نقاط مختلف جهان تشکیل می‌دهند. این سیاست، پیامدهای گسترده‌ای در عرصه جمعیتی، سیاسی و بین‌المللی به همراه داشته و هم‌زمان با آن، سیاست توسعه و گسترش اراضی اشغالی نیز به‌طور مستمر دنبال شده است.

به استناد اسنادی که نمونه‌اش اینجا هست می‌توان گفت که چگونه تحولات سیاسی و تصمیم‌های قدرت‌های جهانی در سده گذشته، سرنوشت سرزمینی کهن و مردمانی دیرپا را دگرگون ساخته است.

متن از سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

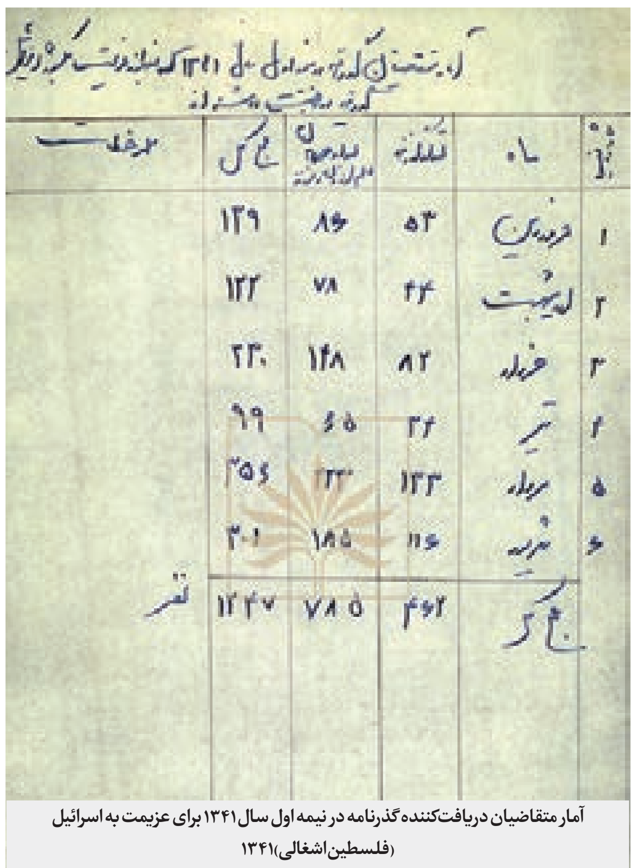
[illegible]

ردیف	ماه	[illegible]	[illegible]	جمع کل	مرقومه
۱	فروردین	۵۴	۸۶	۱۳۹	
۲	اردیبهشت	۴۴	۷۸	۱۲۲	
۳	خرداد	۸۲	۱۴۸	۲۳۰	
۴	تیر	۳۴	۶۵	۹۹	
۵	مرداد	۱۲۳	۲۳۳	۳۵۶	
۶	شهریور	۱۱۶	۱۸۵	۳۰۱	
جمع کل		۴۶۲	۷۸۵	۱۲۴۷	نفر

آمار متقاضیان دریافت‌کننده گذرنامه در نیمه اول سال ۱۳۴۱ برای عزیمت به اسرائیل (فلسطین اشغالی) ۱۳۴۱